نگاه

فرماندهان سپاه پاسداران از زمان تشکیل تا امروز چه کسانی بودند؟

با تشکیل سپاه پاسداران در دوم اردیبهشت ۵۸، جواد منصوری به عنوان اولین فرمانده سپاه مشخص می‌شود. او در تاریخ ۱۱ اردیبهشت با صدور اطلاعیه‌ای ۸ ماده‌ای دستورالعمل جدید سپاه را صادر می‌کند و طی آن نکاتی را به پاسداران انقلاب اسلامی تذکر می‌دهد.

زمانی که بنی‌صدر فرمانده کل قوا می‌شود، روز بعد از آن منصوری از فرماندهی سپاه استعفا می‌کند. پس از طی دوره ۱۰ ماهه فرماندهی منصوری، عباس دوزدوزانی فرماندهی سپاه را به مدت سه ماه بر عهده می‌گیرد، اما او هم به دلیل مخالفت‌های رئیس‌جمهور وقت، استعفا می‌کند و از این مسئولیت کنار می‌رود.

فرمانده بعدی سپاه عباس آقازمانی معروف به ابوشریف بود که در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۵۹ طی حکمی از سوی ابوالحسن بنی‌صدر فرمانده وقت کل قوا به فرماندهی سپاه پاسداران منصوب می‌شود اما کمتر از یک ماه بعد در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۹ استعفا می‌کند. پس از استعفای ابوشریف، بنی‌صدر در تاریخ ۲۲ تیر ۵۹ حکم فرماندهی سپاه را برای مرتضی رضایی صادر می‌کند اما رضایی حکم صادره از سوی بنی‌صدر را فاقد اعتبار می‌داند و خواستار صدور حکم فرماندهی از سوی حضرت امام می‌شود. در تاریخ ۲۸ تیرماه ۵۹ این حکم به تأیید حضرت امام می‌رسد و ایشان در این تأییدیه می‌نویسند: «فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شما مورد تأیید است و لازم است با جدیت مواظبت کنید که احکام اسلام در سپاه پاسداران به مورد اجرا گذاشته شود.»

پس از مرتضی رضایی، شورای فرماندهی سپاه به دستور حضرت امام، سه نفر را برای فرماندهی سپاه انتخاب می‌کند. این سه نفر عبارت بودند از: شهید محمد بروجردی، شهید یوسف کلاهدوز و محسن رضایی.

محسن رفیق‌دوست با درخواست شفاهی از شهید بروجردی می‌خواهد وی از پذیرفتن فرماندهی سپاه صرف نظر کند و او هم قبول می‌کند و شورای فرماندهی سپاه شهید کلاهدوز را به عنوان فرمانده سپاه انتخاب می‌کند. رفیق دوست در بخشی از خاطرات خود دلیل نپذیرفتن فرماندهی سپاه از سوی شهید کلاهدوز را اینچنین عنوان می‌کند: «شهید کلاهدوز صبح زود فردای آن روز به منزل من مراجعه کرد. از زیر عبایش قرآنی درآورد و مرا به آن قرآن قسم داد که او را فرمانده نکنیم، دلیلی هم برای اصرار خواسته خود مطرح کرد. پرسیدم چه‌کار کنیم؟ گفت محسن را انتخاب کنید.»

به این ترتیب شورای فرماندهی سپاه محسن رضایی ۲۷ ساله را به عنوان فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انتخاب می‌کند و محسن رضایی حدود ۱۶ سال فرماندهی سپاه را برعهده می‌گیرد؛ سال‌هایی که جنگ تحمیلی یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ انقلاب اسلامی هم در آن واقع است.

سیدیحیی صفوی معروف به رحیم صفوی اواسط سال ۷۶ جایگزین محسن رضایی در فرماندهی سپاه می‌شود و ۱۰ سال فرماندهی کل سپاه پاسداران را عهده‌دار می‌شود. پس از سرلشکر صفوی، محمدعلی جعفری در سال ۸۶ با حکم فرمانده معظم کل قوا به سمت فرماندهی کل سپاه منصوب می‌شود.

پس از نزدیک به ۱۲ سال، سرلشکر حسین سلامی در اول اردیبهشت سال ۹۸ طی حکمی از فرمانده معظم کل قوا فرمانده کل سپاه پاسداران می‌شود و همچنان مسئولیت فرماندهی را برعهده دارد.

نگاهی به نخستین روزهای تشکیل سپاه در گفت‌وگوی «جوان» با سردار عبدالله ویسی از پاسداران پیشکسوت

عضویت در سپاه یعنی جانم فدای امام و انقلاب

ایمان، اعتقاد، اعتماد، جسارت و فداکاری نیروها سبب می‌شد کارها به بهترین شکل انجام شود و عامل توانمندی سپاه باشد

دیدار پاسداران اولی با امام(ره) در قم

■ آرمان شریف

تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ یکی از مهم‌ترین اتفاقات آن روزها بود. تشکیل سپاه پاسداران به فرمان امام خمینی(ره) کمک بسیار زیادی به برقراری امنیت شهرها کرد، اما اهمیت تشکیل سپاه همین‌جا متوقف نماند و با شروع جنگ تحمیلی ما بیشتر متوجه نقش مهم سپاه پاسداران در دفاع و صیانت از کشور شدیم. پس از جنگ نیز سپاه در کنار سایر نیروهای نظامی مسئولیت تأمین امنیت کشور را برعهده گرفت و اجازه نداد خدشه‌ای به امنیت کشور وارد شود. در سالروز تشکیل سپاه پاسداران با سردار عبدالله ویسی از رزمندگان و پاسداران پیشکسوت گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

هسته اولیه تشکیل سپاه پاسداران کرمانشاه چگونه شکل گرفت و چه افراد سرشناسی در آن حضور داشتند؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیروهای مردمی برای حفظ امنیت مردم و جلوگیری از هرج و مرج در مناطق مهم شهر مشغول نگهبانی شدند. آن زمان شهید سیدمحمدسعید جعفری توانست بچه‌ها را برای تأمین امنیت شهر گردهم جمع و سازماندهی کند. همین هسته اولیه سپاه را در کرمانشاه تشکیل داد. آیت‌الله زرندی، آیت‌الله جلیلی، آیت‌الله نجومی و دیگر آیات عظام که شخصیت‌های برجسته‌ای در کرمانشاه بودند بچه‌ها را جمع و برای تأمین امنیت مردم و محلات توجیه کردند. به مرور کمیته‌های انقلاب اسلامی شکل گرفتند و مرحوم آیت‌الله حاج آخوند مسئول کمیته شد و دیگر دوستان مسئول عملیات برقراری امنیت در شهر کرمانشاه شدند. به نوعی هسته اولیه سپاه را همین اعضای کمیته‌ها تشکیل دادند. پاسداران از کمیته‌های انقلاب بیرون می‌آمدند و به عنوان پاسداران انقلاب اسلامی در سپاه مشغول خدمت می‌شدند.

بدین صورت نیروها در پادگان شهدا استقرار یافتند و نیروهای اولیه سپاه در غرب کشور در این پادگان آموزش دیدند. شهید سعید گلاب، شهید صدیق، سرمدی‌ها و خیلی از فرماندهان مطرح غرب کشور در این پادگان آموزش دیدند. شهید آیت شعبانی همرزم شهید چمران که آدم برجسته و مبارزی ورزیده بود نیز در میانمان بود. شهید صیادشیرازی همراه شهید چمران در این پادگان جلسه می‌گذاشت. وقتی غائله کردستان شروع شد شهید صیاد وقتی از کردستان برمی‌گشت با شهید چمران در پادگان شهدا ملاقات می‌کردند و جلساتشان برای برقراری امنیت در مناطق ناامن کردستان را در این پادگان می‌گذاشتند. پادگان شهدا اهمیت بسیار زیادی برایمان دارد چون نفس‌های طاهر شهدا در آن جریان داشته است. سپاه کرمانشاه در این پادگان شکل گرفت. در غائله کردستان محمد رحمانپور و پسرش رئیس کمیته سنندج بودند و توسط ضدانقلاب به شهادت رسیدند و پادگان ۲۸ کردستان به محاصره ضدانقلاب درآمد و هجوم گروهک‌های ضدانقلاب آنجا شدت گرفت. نیروهایی از کرمانشاه برای نجات آن پادگان رفتند و توانستند امنیت را در شهر برقرار کنند. پس از مدتی که شهید بروجردی از تهران آمدند و در کرمانشاه مستقر شدند به مرور وسعت جذب نیروها بیشتر شد.

با وجود کمیته‌های انقلاب اسلامی و ارتش لزومی برای تشکیل سپاه پاسداران وجود داشت؟

ارتش اول انقلاب دچار بحران شده بود. تقلیل سربازی به ۱۴ ماه سبب شد خیلی از سربازان ترخیص شوند و بروند. بسیاری از افسران هم پس از انقلاب دچار مشکل شده بودند و نیروهای شهربانی هم قدرت لازم برای برقراری امنیت را نداشتند. تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی برای برقراری امنیت در شهرها لازم بود، اما کمیته‌ها توانایی کار کردن در خارج از شهرها را نداشتند و بعداً که بحران‌های ضدانقلاب به وجود آمد، سازمان سپاه کاملاً خودجوش شکل گرفت و توسعه پیدا کرد. نیروها به عنوان افرادی فداکار و به عنوان کسانی که می‌خواهند از آرمان‌هایشان و انقلابشان دفاع کنند و تبعیت کامل از رهبرشان داشتند برای ایجاد امنیت وارد سپاه می‌شدند. آن اوایل کار در سپاه به این شکل نبود که سازماندهی و انسجام درستی باشد، بلکه نیروها در قالب گروه‌های مختلفی می‌رفتند و بعدها منسجم می‌شدند. سپاه بنا به ضرورت و با توجه به تهدیدهایی که وجود داشت توسعه پیدا کرد. ارتش هم رفته رفته به میدان آمد. جهاد هم به همین شکل و با توجه به ضرورت‌هایش گسترش پیدا کرد. سپاه زمان جنگ گسترش زیادی یافت. سپاه از همان اول بیشتر به دنبال کار اعتقادی بود و خیلی دنبال کار نظامی نبود ولی ضرورت ایجاد کرد در بعد نظامی به میدان بیاید و امروز می‌بینیم که سپاه رشد چشمگیری در زمینه‌های نظامی داشته است. باید گفت گسترش سپاه هم خیلی سخت و با آزمون و خطا شکل گرفت.

پس شرایط کشور در آن زمان ایجاب می‌کرد که نیرویی مثل سپاه داشته باشیم؟

آن زمان ضدانقلاب و گروهک‌ها توسعه زیادی پیدا کرده بودند. هنوز وزارت اطلاعات وجود نداشت و سپاه در پاکسازی ضدانقلاب خیلی فعال بود. پاسداران روی خانه تیمی‌های منافقین کار می‌کردند، ضدانقلاب را تحت نظر داشته و به عنوان تأمین‌کننده امنیت کشور در آرامش روحی و روانی جامعه نقش خیلی مهمی برعهده داشتند. حتی سپاه در کنار سایر نیروها برقرارکننده امنیت در انتخاب و رأی‌گیری‌های کشور بود. آن زمان سپاه و کمیته کارهای مهم را برعهده می‌گرفتند. بسیاری از مسئولان از سپاه به میدان آمدند و نقش‌آفرینی کردند. سپاه حتی برای ارتزاق مردم و نیازهای اقتصادی جامعه نقش مهمی برعهده داشت. سپاه در حوزه‌های مختلفی کار می‌کرد و حضورش خیلی راهگشا بود. بعدها در مجلس برای سپاه قانون نوشتند و وظایفش مشخص شد و امروز ما شاهد سپاهی قدرتمند در کشور هستیم.

ابتدای ورود به سپاه چه آموزش‌هایی دیدید و فضای همکاری بین پاسداران چگونه بود؟

ابتدا که آموزش‌هایمان خیلی مختصر بود و بعد به مرور مربیان ارتش آمدند و بچه‌ها را پیرامون مسائل نظامی آموزش دادند. آن زمان در سپاه اصلاً کسی دنبال درجه نبود. هر کس صبح زودتر می‌آمد فرمانده بود. یعنی کسی دنبال این مسائل نبود و همه چیز کاملاً دوستانه و برادرانه بود. گاهی نیروها از شدت کار از مقر سپاه خارج نمی‌شدند، چون نیاز بود که به صورت شبانه‌روزی در سپاه حضور داشته باشند. خودم شاید ماهی یک بار به خانه می‌رفتم. همه در سپاه حضور داشتیم و مشغول انجام عملیات‌ها بودیم. مثلاً آموزش و پرورش کرمانشاه در اختیار حزب توده بود یا منافقین به صورت مسلحانه در دانشگاه رازی حضور داشتند و این سپاه بود که باید این مناطق را از دست گروهک‌های مسلح خارج می‌کرد. ابتدای پیروزی انقلاب هرلحظه یک جریانی در شهر رخ می‌داد و نیروهای سپاهی و کمیته بودند که باید جلوی این جریان‌ها را می‌گرفتند. در خیلی سازمان‌ها گروهک‌ها نفوذ کرده بودند و سپاه در این مواقع نقش‌آفرینی می‌کرد. اصلاً طوری نبود که بگوییم اتفاقات آن روزها به سادگی گذشت، بلکه با جانفشانی و سختی پاسداران و نیروهای کمیته امنیت برقرار شد.

پاسداران چطور با سختی‌های آن زمان روبه‌رو می‌شدند؟

پاسداران جوان با احساس مسئولیت بالا و ذوق زیادی کارها را انجام می‌دادند و نسبت به حضرت امام نیز یک تعبدی داشتند و سعی می‌کردند تا آنجایی که در توانشان است در صحنه حضور داشته باشند. همین حضورشان امنیت را در شهرها برقرار کرد. البته که مردم هم در کنار پاسداران بودند. مردم کاملاً به پاسداران اعتقاد داشتند و سپاه نیز کامل همراه و پشت مردم بود. خاطرم است کسانی که حج می‌رفتند و می‌خواستند مهمانی بگیرند یا نذر داشتند بچه‌های سپاه را دعوت می‌کردند. اگر کسی در خانه بیماری داشت یا خودش بیمار بود از پاسداران می‌خواستند برای سلامتی بیمار دعا کنند. یا اگر کسی کسالت و ناراحتی داشت هنگام تشییع پیکر شهدا از زیر تابوتشان عبور می‌کرد. من خودم با دست مجروح و با لباس پاسداری ازدواج کردم. هدف بچه‌ها چیز دیگری بود و زندگی‌شان را بر اساس اهداف معنوی پیش می‌بردند. اعتماد زیادی بین مردم و سپاه بود. دلیلش هم این بود که نیروها فقط تلاش می‌کردند انقلاب پیروز شود و آسیب نبینند. اصلاً دنبال درجه، پست و مقام نبودند. آن اوایل ماهی ۵۰۰ تومان حقوق به پاسداران می‌دادند و با گذشت زمان دریافتی حقوق‌ها بیشتر شد. بعد اگر کسی فرزند بیشتری داشت نسبت به فرماندهی چون شهید بروجردی حقوق بیشتری دریافت می‌کرد. مثلاً نیرویی با چندین فرزند از فرماندهی مثل شهید بروجردی با آن جایگاه بیشتر حقوق می‌گرفت. همراهی مردم

> آن زمان برای حقوق گرفتن، پول را روی میز می‌گذاشتند و هر کس باید حقوقش را برمی‌داشت و محال بود کسی ریالی بیشتر بردارد. یادم است وقتی بچه‌ها پول برمی‌داشتند بخشی از حقوقشان را به فقرا می‌دادند. حقوق پاسداری زیاد نبود ولی خیلی برکت داشت

و نیروهای مسلح و وجود امام خمینی سبب شد تا انقلاب از تمام بحران‌ها نجات پیدا کند. خودم زمانی که فرمانده تیپ شدم نسبت به کارهای نامه‌نگاری آموزش ندیده بودم و این موارد را به مرور یاد گرفتم. بسیاری از فرماندهان بزرگ سپاه با توانمندی‌های بسیار حین کار مسائل را یاد گرفتند. مثلاً فردی نیروی عادی بود و به مرور کسب تجربه می‌کرد و به فرماندهی می‌رسید. در سپاه ایمان، اعتقاد، اعتماد، جسارت و فداکاری نیروها سبب می‌شد کارها به بهترین شکل انجام شود و همین امر باعث توانمندی سپاه شده است.

رفاقت خوبی بین پاسداران برقرار بود؟

آن زمان برای حقوق گرفتن، پول را روی میز می‌گذاشتند و هر کس باید حقوقش را برمی‌داشت و محال بود کسی ریالی بیشتر بردارد. یادم است وقتی بچه‌ها پول برمی‌داشتند بخشی از حقوقشان را به فقرا می‌دادند. حقوق پاسداری زیاد نبود ولی خیلی برکت داشت. رفاقت خیلی صمیمانه‌ای بین پاسداران برقرار بود. جیب بچه‌ها یکی بود. پاسداران با عضویت در سپاه آمده بودند جان خودشان را فدا کنند و دیگر مادیات برایشان اهمیتی نداشت. آن زمان می‌خواستند به نیروها موتور و ماشین بدهند ولی پاسداران نگرفتند و گفتند اینها را به کسانی که نیاز دارد بدهید. اگر تعاونی زمین می‌داد پاسداران نمی‌گرفتند و می‌گفتند آن دنیا زمین‌مان آباد باشد بهتر از گرفتن زمین در این دنیاست. روح معنوی بر بچه‌ها غالب بود. یگانگی، دوستی و رفاقت بین بچه‌ها بود. گاهی اگر یک پاسدار می‌خوابید دوستش برای تعویض شیفت صدایش نمی‌کرد و تا صبح جای او شیفت می‌داد. همه نیروها در قالب یک روح بودند که آن هم امام خمینی بود. نیروها علاقه و عشق زیادی به امام خمینی داشتند و هر چه امام می‌فرمودند را می‌خواستند انجام دهند. اگر کسی در مناطقی که در اختیار ضدانقلاب یا دشمن قرار داشت مجروح و شهید می‌شد نیروها شبانه می‌رفتند و پیکر دوست شهیدشان را می‌آوردند. می‌گفتند دوستمان نباید آنجا بماند. این فداکاری‌ها آن زمان در اوج بود. اگر گزینش‌های پاسداران را بخوانید که چرا به سپاه آمده‌اند هدف بیشترشان شهادت در راه انقلاب است.

عشق و علاقه پاسداران به امام خمینی(ره) را چطور توصیف می‌کنید؟

پاسداران وقتی امام را می‌دیدند از شدت خوشحالی و شوق، اشک می‌ریختند. علاقه زیادی میان امام و پاسداران وجود داشت. امام هم فرموده بودند ای کاش من هم یک پاسدار بودم که نشانی از عشق و علاقه امام نسبت به نیروهای پاسدار بود. امروز هم به لطف خدا هنوز این رابطه میان مقام معظم رهبری و سپاه وجود دارد. سپاه آنقدر تأثیرگذار بود که از آن بسیج زاده شد و آن فرهنگ و تفکر به عنوان بسیجی احیا شد. ایثارگری و فداکاری در میان نیروهای سپاه وجود دارد. مبارزه با گروه‌های داعشی کم چیزی نبود که نیروهای سپاهی و داوطلب به خوبی آن را انجام دادند. هنوز فرهنگ ایمان، جهاد و شهادت در سپاه وجود دارد. بسیاری از شهدای مدافع حرم از پاسداران و بسیجی‌ها بودند. یکی از ویژگی‌های پاسداران این است که چه در عمل و چه در تئوری همیشه دستشان پر است. شهید حسن باقری و حاج قاسم سلیمانی و دیگر فرماندهان شهیدمان هیچ وقت دستشان خالی نبود. مثلاً نمونه بارزش این بود که اوایل جنگ سوریه خیلی‌ها می‌گفتند چرا حاج قاسم به سوریه می‌رود ولی حاج قاسم می‌گفت بیرون کردن داعش شدنی است و دیدیم که رفت و به بهترین شکل کار را انجام داد.

چه مواردی در رفتار و کردار فرماندهانی مثل شهید بروجردی می‌دیدید که برایتان قابل الگوبرداری بود؟

اخلاق اسلامی، تبعیت از امام و پرسشگری از بزرگان مهم‌ترین ویژگی شهید بروجردی و بسیاری دیگر از فرماندهان بزرگ دفاع مقدس بود. یادم است شهید بروجردی هرگاه شهید مدنی را می‌دیدند از ایشان درباره موضوعات مختلف سؤال می‌کردند. من مجروح بودم و ما را به دیدن آیت‌الله مدنی بردند و آنجا شهید بروجردی کنارشان نشست و با ایشان مشغول صحبت شد. اعتماد خوبی بین جوانان آن زمان و علما وجود داشت. خداترسی و ساده‌زیستی سبب شده بود این انسان‌ها برایمان به الگو تبدیل شوند. وقتی فرمانده مثل نیروی عادی زندگی و رفتار می‌کرد خیلی اثرگذار بود و من هم سعی می‌کردم مثل او باشم. اگر روح تعبد همراه با دانش پیدا کردیم می‌تواند اثرگذار باشد. فرماندهان آن زمان به دنبال حل کردن مشکلات نیروها بودند و جلساتی با پاسداران درباره موضوعات مختلف برگزار می‌کردند که تأثیر زیادی در روحیه نیروها داشت. من بالطبع وقتی این موارد را می‌دیدم دوست داشتم مثل فلان فرمانده شوم. رزمندگان سعی می‌کردند هر کاری را که امام انجام می‌داد انجام دهند. سعی می‌کردند همه چیزشان مثل امام شود. حرکات و حرف‌هایشان مثل امام شود. فرماندهان آن روز گوش به فرمان امام بودند و نگاه‌شان همواره به امام بود. بچه‌ها نسبت به امام یک اعتماد خاصی داشتند.

عبدالله ویسی نفر دوم از راست و شهیدان نقش‌بندی و بیابانی نفرات سوم و چهارم

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۱۸۹

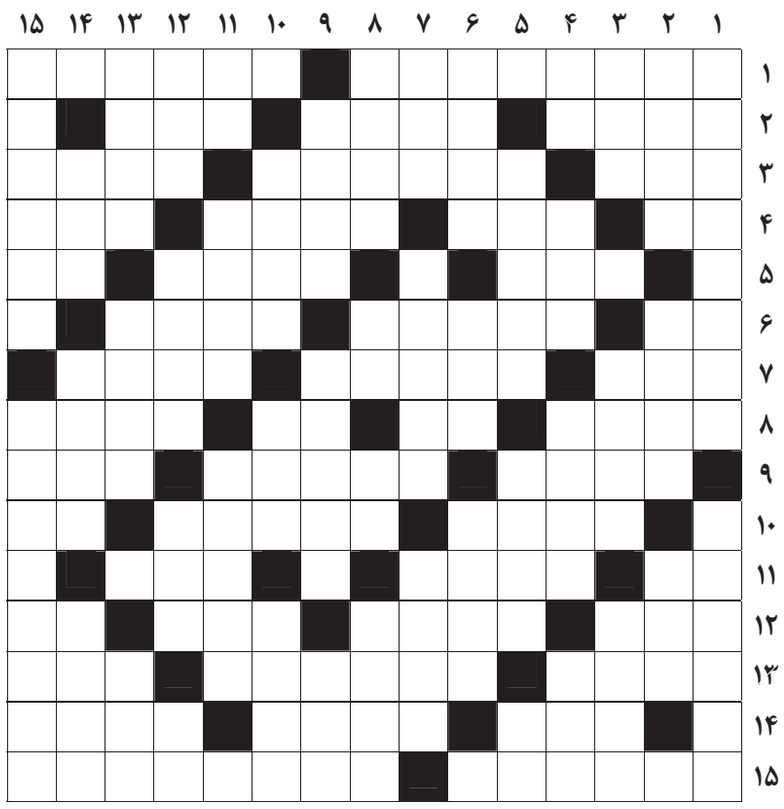

از راست به چپ

■ ۱- دارالانشا- کشوری که بیشترین مرز مشترک را با امریکا دارد■ ۲- قوه حافظه- بلند و مرتفع- آغازش دیوانگی و پایانش شرمندگی است■ ۳- خبرگزاری اسپانیا- تنها پرداختنی دولت به اقشار کم درآمد که سال هاست افزایش نداشته است- لغو کردن■ ۴- مترادف چاق- تله- موزیک نظامی- طایفه■ ۵- واحد شمارش گردو- ایستاده- حرف فقدان■ ۶- کدوتنبل- پیامبر بزرگی که قاضی بود- هویج■ ۷- کنز- ناشایست- پول چین■ ۸- پارافین- شلوار جین- دایره- سران■ ۹- ادعای مضحک- طفیلی- گشنیز■ ۱۰- قسمت مرکزی اتم- فرهنگ لغت فرانسوی- صابون خیاطی■ ۱۱- بندگی- عنوان شاهزادگان دوره صفوی- رد پا■ ۱۲- فایده- خانه های ریز روی عکس- مکمل امضا- حرف نفی عرب■ ۱۳- سوغاتی از یزد- کنایه از ضد هم- منقار پرنده■ ۱۴- نمایشنامه- اقلیم- روشن ■ ۱۵- سمبلیک- لباس رسمی آقایان

از بالا به پایین

■ ۱- پرده عضلانی که اعضای درونی شکم را از قفسه سینه جدا می کند- از استان‌هایی که خسارت‌های زیادی از سیل دید■ ۲- شهری در کرمان- آن سوی شمال- اسلحه■ ۳- سحر باران مغولان- کل و همه - بخش پایینی شلوار■ ۴- راه شاعرانه- صدای بلند- بالش- چهارشاخ خرمن برباد ده ■ ۵- دروغ آذری- جوانمردی- تصدیق ایتالیایی■ ۶- جرعه- پستاندار عظیم‌الجثه دریایی- اسم دخترانه به معنای کوهستان■ ۷- آتش- جزیره تبعیدگاه رضاخان- پدراردشیر■ ۸- مرد بخشنده- ورزشی کم هزینه- نقش تئاتری- پرتابه جنگی■ ۹- دیفتری- بخت برگشتگی- ماه خارج■ ۱۰- جاده سنگی- فانوس دریایی- قطار زیرزمینی■ ۱۱- صدای درد- رنگی از خانواده سفید- رگ‌های بازو■ ۱۲- کاشتن بوته برنج- گرد- بدبوی پرخاصیت- هلاک شدن■ ۱۳- دیکته- آهنگر معروف- کشتی جنگی■ ۱۴- عالم پنهان- باد خنک- شیرینی تبریز■ ۱۵- گلی خوشبو و سمی به شکل قیف- کوبنده‌ترین شعار مسلمانان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۱		۴		۵	
	۹		۵				۷	
۸	۳						۶	
				۴				۸
		۳			۷			
	۶	۲						۳
۲				۸	۶			
					۱	۴		
۹	۵					۲		

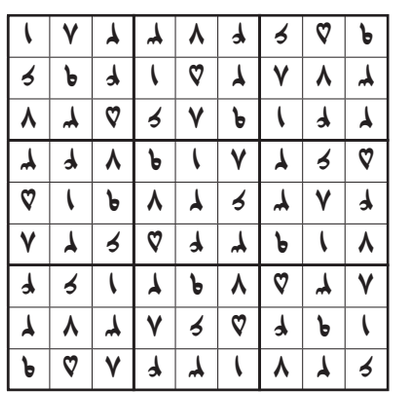

جدول کلمات متقاطع
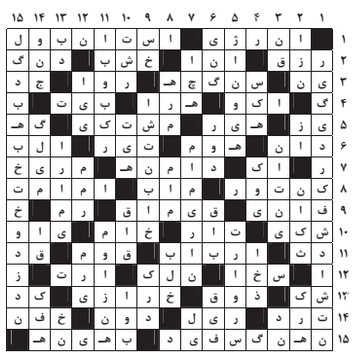
پاسخ جدول شماره ۶۱۸۸